

جایگزین های حبس و زندان در حقوق جزای ایران

تالیف
کوروش زارع

ویراستار
آرژینا اسدی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	زارع، کورش، ۱۳۵۵ -
عنوان قراردادی	ایران، قوانین و احکام Iran, Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	جایگزین‌های حبس و زندان در حقوق جزای ایران / تألیف: کورش زارع؛ ویراستار: آزیتا اسدی؛ ناظر فنی: محسن فاضلی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات قانون، باره، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۱۷۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۶۶-۴
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	مجازات‌های جایگزین زندان -- ایران
موضوع	Alternatives to imprisonment -- Iran
موضوع	حقوق جزا -- ایران
موضوع	Criminal law -- Iran
شناسه افیس	اسدی، آزیتا، ۱۳۵۸ -، ویراستار
شناسه افزوده	فاضلی، محسن، ۱۳۵۹ -
رده بندی کنگره	HV ۹۴۹۲/۵۶/۲۳۱
رده بندی دیویی	۳۶۴/۶۸۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۴۸

جایگزین‌های حبس و زندان در حقوق جزای ایران

تألیف: کورش زارع

ویراستار: آزیتا اسدی

ناشر: قانون

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۶۶-۴

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت پلاک ۹۲

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۱.....	بخش نخست
۱۱.....	ماهیت، پستیینه و اسباب رویکرد به جایگزین های حبس در حقوق ایران و انگلیس
۸۷.....	بخش دوم
۸۷.....	نگرش های حقوقی به اقسام جایگزین های حبس در ایران و انگلیس
۱۷۰.....	منابع و مآخذ

مقدمه

مثلث قانون جرم، و مجازات از دیر باز در اجتماعات انسانی نقشی اساسی داشته است. از زمانی که انسانها پا بر عرصه جامعه بدوی فراتر گذاشتند و در وادی جامعه مدنی گام نهادند، همواره قانون و حقوق در درون این مثلث باز تولید می شده است و بسته نوع نظام سیاسی و فرهنگ سیاسی هر جامعه اقتضا و مناسبت خاص خود را پیدا می کرده است. در قرون وسطی و دوران حاکمیت خودکامگی مجازات و کیفر ابزارها و روشهای خاص خود را داشته است و براساس آن تعادل میان قانون جرم و مجازات صورت می گرفته است ولی در دوران جدید تعریف قانون و تعادل میان قانون و مجازات نیز تغییر کرده است و بالاخره در سیستم حقوقی کشور ما نیز جایگاه قانون در محاله ای از ابهام قرار دارد و هنوز به طور روشن مشخص نیست که نگاه و منظر دستگاه قضایی به زندان ناشی از نگرش حقوقی اسلام است یا ناشی از نگرش حقوقی غرب (خصوصاً فرانسه) انسان رجوع اجتماعی است و نیازهای گوناگون او، جز در سایه تعاون و همکاری با یکدیگر نیست. همیشه، از سوی دیگر، انسان خواسته و تمایلات فراوانی دارد که دوست دارد به همه آنها برسد. این کار عملاً امکان پذیر نیست، لذا انسان اگر به حال خود رها شود و حوزه فعالیت های او محدود نگردد قطعاً اصطکاک و تضاد به وجود خواهد آمد، چرا که انسان با توجه به غرایزی که در نهاد او وجود دارد دوست دارد دیگران را در جهت منافع خود استخدام و استثمار نماید و در نتیجه انشعاع انسان گرفتار هرج و مرج و ناامنی خواهد شد، و برای جلوگیری از ناامنی ضرورت وجود قانون در جامعه مطرح میگردد و بعضاً اجرای قانون موجب زندان میگردد، و ضرورت وجود زندان احساس میشود. و به بیان دیگر: نظام آفرینش بر پایه تقوا و پاکی استوار است، تطهیر و طهارت، صلح و صفا، حسن و جمال، جز جدایی ناپذیر نظام الهی است و اصولاً انسان بر اساس فطرت توحید و خداپرستی - که ریشه همه طهارت و پاکیهاست آفریده شده و همه سعی و تلاش انبیا و اولیا، راهنمایی انسان و جهت دادن به او در این مسیر خلاصه میشود. خالق این نظام، خود جامع و همه صفات کمال و جلال بوده و از صفات سلبی و منزّه و از شرور و زشتی، جرم و گناه بیزار

است اهل طهارت را به شدت دوست دارد نتیجه آنکه جرم و جنایت، گناه و معصیت، فساد و ضلالت و... همه ساخته و پرداخته دست بشر است. هوای نفس و تمایلات شهوانی و افسون طلبی انسان است که همه چیز را در انحصار خود قرار می‌دهد. و جامعه را به فقر و هلاکت میکشاند و در این راستا است که جرم و جنایت، خواسته و ناخواسته، رخ می‌دهد و برای اینکه جامعه از پیامدها و تأثیرات آن مصون بماند چاره‌ای جز مقابله و بر خورد قانونی نیست و گر نه همانند م‌کروب و بیماری مسری همه را آلوده و مبتلا می‌سازد و در اینجا است که فلسفه وجودی قانون کیفری و جزایی، حبس و تعزیرات تبیین میگردد و در اثر اعمال و اجرای آن موضوع (زندان) مطرح میگردد. حبس به عنوان کیفر در تاریخ تحولات حقوق کیفری یعنی نیمه دوم قرن هیجدهم نمودار به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر وجود داشته است. هر چند در طی ادوار مختلف تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس پدید آمده است. حق آزادی که پس از حق حیات اساسی ترین حق بشر محسوب می شود جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب روابط قوای حاکم بر پهراندان بارها تعریف شد و حقوق شهروندی افزایش یافت و این مساله موجب قرونی تکالیف - کمرانان شد. مردم به دنبال دولتهای پاسخگو بودند و انتظار داشتند حاکمان حقوق اولیه شهروندان را به صورت تمام و کمال حفظ و حراست کنند. محور قرار گرفتن حقوق اساسی شهروندان بوزره آزادی، سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثناء کاملاً محدود مطرح کرد و گستردگی انقاص و بازداشت موقت را زیر سوال برد و سلب آزادی تنها برای موارد مهم و خطرناک مجوز شر شده و از این حیث به لحاظ نظری مشروعیت کاربرد حبس در شکل جاری آن دچار تردید شده و کمتر کسی می پذیرفت که از تمام مجرمان باید سلب آزادی شود. آمارها نشان داد که حبس کیفری چه با فلسفه ارعاب بازدارندگی چه با فلسفه اصلاح و درمان با شکست عملی مواجه شده است. در کشورهای با نظام کیفری حبس محور، نه تنها ارتکاب جرم کاهش نیافت، بلکه آمار تکرار جرم توسط محکومین سابقه دار رقم بالایی است. ضمن این شکست عملی انتقادهای گسترده ای به آثار منفی زندان هم از لحاظ اقتصادی هم از لحاظ اجتماعی صورت گرفت. هزینه های



اقتصادی بالای زندان، حرفه ای تر شدن مجرمان زندانی شده، از هم پاشیدن خانواده های زندانیان و... تنها بخشی از اشکالات زندان بشمار می رقت. همه این اشکالات باعث شد حقوقدانان و متفکران علوم کیفری به دنبال یافتن جایگزین هایی برای مجازات حبس باشند در جهت تعدیل این کیفر. منظور همان اشکالات نامبرده شده در کنار شکست عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری مجازات زندان پدید آمده بود می باشد. کیفر زندان، به عنوان یکی از مهمترین مجازاتهای کیفری، امروزه پیش از پیش مورد بحث و مناقشه قرار می گیرد. امروزه این امر مسلم شده است که مجازات زندان، ناقض حقوق بشر است. چرا که آثار و پیامدهایی دارد که با هدف و غرض اصلی از اعمال مجازات زندان کاملاً متفاوت است. توضیح بیشتر آنکه مجرمه قضا و شرایط زندان نه فقط کمکی به بازپروری شخصیت محکوم و بازگرداندن او به اجتماع نمی کند؛ بلکه سبب هتک حرمت شدید و طبعاً آسیبهای روحی و روانی می گردد. عواملی از قبیل سوء رفتار زندانبانان با زندانیان، نحوه نگهداری زندانیان، فساد در زندان، عدم رعایت بهداشت در زندان و شرایط اسفبار ساختمان زندانها و اشباع زندانها عواملی است که باعث شده مجازات زندان تاثیری بر اصلاح مجرم و جرم زدائی نداشته باشد. حتی اسباب جرم زانی و مجرم پروری را نیز فراهم آورد. از طرفی حبس به عنوان کیفر در تاریخ تحولات حقوق کیفری یعنی نیمه دوم قرن بیستم هم همواره به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر وجود داشته است. هر چند در طی ادوار مختلف تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس پدید آمده است. حق آزادی که پس از جنگ جهانی اساسی ترین حق بشر محسوب می شود جایگاه خود را پیدا کرد و بر همین مبنا چهارچوب رابطه نوای حاکم بر شهروندان بارها تعریف شد و حقوق شهروندی افزایش یافت و این مساله موجب قرونی تکالیف حکمرانان شد.